



تأثیر طلاق والدین بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان مقطع ابتدایی

محمد ترابی گودرزی

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت الله بروجردی (ره)، بروجرد، ایران.

Mohammadmadah1381s@gmail.com

۰۹۱۶۵۴۹۵۴۷۰

چکیده:

هدف از انجام این پژوهش بررسی تأثیر طلاق والدین بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان مقطع ابتدایی بود. در این پژوهش از رویکرد پژوهش کیفی با روش پدیدارشناسی توصیفی استفاده شده است. ۱۲ نفر از دانش آموزان واجد شرایط به روش هدفمند و گلوله‌برفی انتخاب شدند. جمع‌آوری اطلاعات با مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته و تجزیه و تحلیل آنها به روش تحلیل مضمون صورت گرفت. یافته‌ها بیانگر این موضوع بود که تعاملات خانوادگی بر عملکرد تحصیلی فرزندان تأثیرگذار است. همچنین مشخص گردید عوامل روانشناختی و تعاملات خانوادگی بیشترین نقش را در عملکرد تحصیلی دانش آموزان در خانواده‌های طلاق ایفا می‌کنند. عوامل فردی و تحصیلی نیز در رتبه‌های بعدی قرار دارند. همچنین در دانش آموزان در خانواده‌های عادی نیز، عوامل تحصیلی دارای بیشترین نقش در عملکرد تحصیلی دانش آموزان می‌باشد که عوامل روانشناختی، فردی و اجتماعی نیز در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: طلاق، والدین، عملکرد تحصیلی، دانش آموز

۱- مقدمه: (مقدمه، بیان مسئله، ضرورت، بیان اهداف، سوالات پژوهش، مبانی نظری، پیشینه پژوهش)

خانواده یک واحد عاطفی و شبکه‌ای از روابط در هم تنیده بوده که با ازدواج زن و مرد آغاز می‌شود. رابطه بین زن و شوهر از مهمترین روابط انسان توصیف شده است، زیرا این رابطه ساختاری اولیه برای بنا کردن رابطه خانوادگی و تربیت کردن نسل آینده فراهم می‌کند (سیف، ۱۳۸۳). اما هنگامی که زندگی زناشویی آنگونه که زن و شوهر انتظار دارند پیش نمی‌رود زوجین دچار یاس و ناامیدی شده و به حالتی از کاهش عاطفه نسبت به هم می‌رسند (ازبک‌پور، ۱۳۹۷) که در آن هر یک از زن و شوهر پس از یک دوره طولانی تعارض به مرحله تنفر و سپس با وضعیت بی تفاوتی مواجه می‌شوند و این وضعیت آخرین مرحله از رابطه عمیق و عاطفی بین زوجین است که در نهایت به طلاق عاطفی می‌انجامد. از سوی دیگر ممکن است این آثار و پیامدها نه تنها عوارضی را برای زنان و مردان بلکه برای فرزندان نیز پیامدهای غیر قابل جبرانی داشته باشد (اسلامی و همکاران، ۱۳۹۶). بنا به گفته هادیان و امینی (۱۳۹۸) فشار روانی باعث تضعیف عشق بوده و موجب افزایش تدریجی خستگی، کسالت و یکنواختی زندگی شده و رنجش‌هایی را موجب می‌شود که همگی به بروز دلزدگی کمک می‌کند و این امر زمینه ساز طلاق رسمی است. طلاق شایع‌ترین جلوه تعارض است (درویزه، ۱۳۷۱) تعارض بین زن و شوهر به دلیل ناهماهنگی نیازها و روش‌های این نیازها توسط زن و شوهر بوده و موجب خود محوری، اختلاف در خواسته‌ها، طحواها و مسئولیت ناپذیری نسبت به ارتباط زناشویی و ازدواج است.

بعد از بیان نقش مهم خانواده به عنوان کانون اصلی تعلیم و تربیت و تأثیر آن بر کودکان لازم است در مورد اختلالات رفتاری توضیحاتی ارائه دهیم؛ اختلال‌های رفتاری کودک و نوجوان از مشکلات شایع و نگران کننده‌ای است که علاوه بر خود فرد برای والدین، معلمان و اطرافیان کودک مشکلات زیادی ایجاد می‌کند و موجب ناسازگاری اجتماعی می‌شود. طبق نظر پاندینا و همکاران (۲۰۰۷)، شیوع اختلالات رفتاری در اوایل مقطع ابتدایی بوده و در سنین ۸ تا ۱۵ سالگی به اوج میرسد و موجب تأثیرات منفی بر عملکرد تحصیلی، اجتماعی کودک و نوجوان شده و احتمال مبتلا



شدن به بیماری روانی در بزرگسالی را افزایش می دهد. جالب است بدانید طبق تحقیقات صورت گرفته اضطراب عملکرد فرد را در حوزه اجتماعی، روانشناختی و جسمانی مختل کرده و نقش مهمی در عملکرد تحصیلی دارد (تفضلی، ۱۳۸۴).

از دیدگاه کسلر^۱ (۱۹۷۵) مرحله اول جدایی زوجین با دلسردی و سرخوردگی آنها از رابطه زناشویی است که با تداوم این روند زوجین احساس ها و عواطفشان را به یکدیگر انکار و از انجام دادن وظایف و تعهدهای زناشویی به یکدیگر امتناع می کنند که این امر باعث جدایی محل خواب و یا صرف غذا به صورت انفرادی می شود. در مراحل بعد زن و شوهر به یاد خاطره های شیرین گذشته خود در صدد بهبود شرایط زندگی خود بر می آیند؛ اما نکته مهم اینجاست که زوجین با ورود به مرحله همبستر شدن و امتناع از تعهدهای زناشویی به یکدیگر رشته های عشق و محبت بین آنها گسسته می شود و در نهایت، قطع رابطه عاطفی و وقوع طلاق عاطفی صورت می پذیرد (طیارپور، ۱۳۹۵). یافته های تحقیق توصیفی-مقایسه ای انجام شده از سوی مددی و همکاران (۱۳۹۹) با هدف مقایسه سلامت عمومی و اختلال در فرزندان دختر خانواده های طلاق رسمی، طلاق عاطفی و هم تیان عادی بر روی ۲۰۹ دختر مقطع متوسطه در تهران نشان دادند که فرزندان دختر با والدین دچار طلاق عاطفی سلامت عمومی کمتری دارند. اختلال در فرزندان دختر با والدین طلاق عاطفی بیشتر است. نتیجه پژوهش همبستگی دین دار و همکاران (۱۳۹۷) با عنوان «بررسی رابطه بین مهارت های زندگی و طلاق عاطفی» بر روی ۳۸۴ نفر نشان دادند که بین مهارت های زندگی و ابعاد آن با طلاق عاطفی ارتباط معنادار معکوس وجود دارد و از بین ابعاد مهارت های زندگی، مهارت های حل مسئله، ارتباط مؤثر و همدلی بیشترین اثر را در پیش بینی طلاق عاطفی داشتند. یافته های حاصل از پژوهش کیفی صادقی (۱۳۹۵) درباره طلاق عاطفی و کودکان مقطع ابتدایی بیانگر آن است که ادراک کودکان از طلاق عاطفی والدینشان در پنج مقوله اصلی شامل علاقه مند نبودن پدر و مادر به یکدیگر، تعامل نداشتن با یکدیگر، بی توجهی به حل و فصل مشکل، توجه ناکافی به فرزند و نداشتن تعامل مناسب با وی و آسیب های به جامانده از کمرنگ شدن روابط جای می گیرد. انرژی منفی حاکم بر فضای خانه و خانواده، احساس تنهایی، ترس، امنیت عاطفی متزلزل، بی اعتمادی و یا اعتماد افراطی را در آنها نهادینه می کند. این کودکان به جای تمرکز بر فرآیند آموزشی شان، درباره زندگی آینده والدین و خودشان دچار تشویش و نگرانی می شوند. این جنس از اضطراب و نگرانی و نامشخص بودن به شکل های مختلف در سراسر زندگی شان نمایان می شود. کودکان به دنبال چرایی رابطه غیر صمیمانه پدر و مادرشان هستند. حاکمی (۱۳۹۴) در پژوهشی پیمایشی با عنوان «بررسی رابطه طلاق عاطفی والدین با اختلال های رفتاری-هیجانی دختران ۷ الی ۱۲ سال دامغان» با نمونه ای بالغ بر ۳۸۶ نفر در دامغان به این نتیجه رسید که رفتار پر خاشگرانه و نمره کل اختلال های رفتاری-هیجانی بهترین پیش بینی کننده طلاق عاطفی است. همچنین، نتایج نشان داد که بین متغیرهای کناره گیری با طلاق عاطفی ارتباط معنادار وجود ندارد؛ اما بین سایر مؤلفه های اختلال های رفتاری-هیجانی با طلاق عاطفی ارتباط معنادار بود. نتایج مطالعه جاروان و آل-فرهات^۲ (۲۰۲۰) بر روی ۱۰۰ دانشجوی زن متأهل دانشگاه یارموک واقع در کشور اردن حاکی از آن است که ارتباط منفی آماری معنی داری بین سطح طلاق عاطفی و میزان سرسختی روان شناختی دانشجویان وجود دارد. هرچه سرسختی روان شناختی بالاتر باشد، سطح طلاق عاطفی نیز پایین تر است و بالعکس. افرادی که سرسختی روان شناختی بالایی دارند، با خوش بینی و آرامش عاطفی، توانایی های شناختی، رفتار سازگارانه و خودکارآمدی بالا شناخته می شوند. مواردی که باعث کاهش اثرگذاری ابعاد طلاق عاطفی می شود. برانر- اوتو^۳ و همکاران (۲۰۲۰) مطالعه ای طولی با عنوان «کیفیت روابط زناشویی والدین و دوره انتقال کودکان به بزرگسالی» در کشور نپال بر روی والدین و فرزندان انجام دادند. یافته های حاصل از مصاحبه با پدر و مادرها و بررسی طولی پیشرفت تحصیلی و ازدواج فرزندان نشان داد که پویایی های عاطفی موجود در روابط والدینی، حوزه های متعدد زندگی فرزندان را از قبیل زندگی اجتماعی، شغلی، خانوادگی و تفریحی تحت تأثیر قرار می دهد. روابط غیر صمیمانه و پرتنش والدین منجر به ازدواج زودهنگام، افت و ترک تحصیل فرزندانشان می شود. از سویی، فرزندان این خانواده ها به احتمال به یک ازدواج اجباری عاری از هرگونه عشق و علاقه تن می دهند و در رابطه با همسر خود توقع های عاطفی کمتری دارند. هاشمی و همایونی (۲۰۱۷) در پژوهشی ۸۱ کودک ۱۰ الی ۱۲ ساله ایرانی را در

¹ Kessler

² Jarwan & Al-Frehat

³ Brauner-Otto



دو گروه والدین دچار طلاق عاطفی و طلاق قرار دادند. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که فرزندان خانواده های دچار طلاق عاطفی در مقایسه با همپایان خود در طلاق قانونی ناسازگارترند و متحمل آسیب های روانی و عواطف منفی بیشتری می شوند. تعارض های حل نشدنی و مزمن خانواده های دچار طلاق عاطفی ضمن ایجاد فضایی سرشار از تشویش، تنش و ناسازگاری با افزایش حجم نگرانی به مرور زمان، مهارت های فرزندپروری سازنده پدر و مادر را مختل می کند و در نهایت، اثر منفی روی فرزندان خواهد داشت. فرزندان به احتمال از مشکلات و وضعیت نابسامان خود و والدینشان آگاه اند. به خصوص اگر بزرگ تر باشند، طلاق قانونی را برای بهبود زندگی خود و پدر و مادرشان ضروری می دانند. حیرت آور است اگر اذعان کنیم که چه بسیار والدینی که طلاق قانونی را به خاطر اثرهای سوء آن روی فرزندان قبول نمی کنند. غافل از آنکه نتایج این پژوهش از دلایل و توجیه های آنها پشتیبانی نمی کند. گزارش تحقیق ها، اشاره بر این واقعیت دارد که موجود انسان به خصوص بچه ها در حالت کلی، انعطاف پذیری و سازگاری بالایی دارند و قادرند خودشان را با شرایط دشوار مثل طلاق والدین وفق دهند. آنچه برای بچه ها به لحاظ روانی دردناک و آسیب زننده است، تحمل جرّوبحث های حل نشدنی، ناتمام و تلخ والدینشان است؛ چه در کنار هم یا دور از هم زندگی کنند. برزوک و همکاران (۲۰۱۵) در مطالعه ای کیفی با مصاحبه ۲۲ زن متأهل در ایران به این نتیجه رسیدند که پدرسالاری (نگرش مردسالارانه به روابط جنسیتی در زندگی روزمره)، تقلیل اهمیت نقش پدر بعد از ازدواج دختر، انفعال زنان (ناشی از هویت وابسته زنان) و تصویر اجتماعی منفی از طلاق از علل اجتماعی طلاق عاطفی محسوب می شوند. چنین مواردی به فرهنگ درون جوامع مختلف وابسته هستند. شیخاوندی (۲۰۱۱) در طی پژوهشی، فراری شدن فرزندان از محیط خانواده، کاهش تعامل های سازنده اعضا و فردگرایی را از عواقب دردناک زندگی های خاموش و خانواده های عاری از محبت و صمیمیت می داند که زن و شوهر تقاضای طلاق قانونی نمی کنند. در این راستا فاین^۴ (۱۹۹۷) معتقد است که فرزندان در چنین خانواده هایی اغلب خودشان را باعث مجادله های ناتمام و رابطه ناخوشایند والدینشان می دانند و ازین بابت خود را سرزنش می کنند. این قضیه زمانی بیشتر صادق است که بحث وجدل والدین درباره موضوع هایی چون مسائل درسی و مالی بچه ها باشد. احساس گناه ناشی از این امر، فشار روانی را بر روی بچه ها تشدید می کند و باعث عزت نفس پایین، افسردگی و اضطراب می شود.

با توجه به مرور مبانی نظری و پیشینه مطالعاتی در راستای موضوع پژوهش، متوجه این موضوع می شویم که یافته های بیشتر تحقیقات در خصوص تاثیر طلاق بر مساله روحی- روانی کودکان صورت گرفته است. و تفاوت پژوهش حاضر با سوابق پژوهشی در این موضوع است که این پژوهش به بررسی تاثیر طلاق بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان است.

۲- روش شناسی :

رویکرد پژوهش حاضر کیفی است و روش استفاده شده پدیدارشناسی توصیفی است. هدف روش پدیدارشناختی، رسیدن به ادراک و تجربه های افراد از جهانی است که در آن زندگی می کنند. پژوهشگر در این نوع از پژوهش، در پی این است که اشخاص مختلف پدیده مدنظر را چگونه درک کنند و معنا بخشند (واله، کینگ ۱۹۷۸ به نقل از بیابانگرد، ۱۳۹۳). در تحقیق پدیدارشناسی به گفته های مشارکت کنندگان به عنوان یک منبع اعتباری دانش توجه شده؛ زیرا ارائه کننده تجربه هایشان از پدیده مطالعه شده است و برای رسیدن به تجربه ذهنی مشارکت کنندگان مناسب است. محقق در نمونه گیری هدفمند، مختار است نمونه ها را به نحوی برگزیند که مطابق موضوع و هدف های مدنظر وی باشد. درابتدا، فراخوانی متضمن هدف، شرایط تحقیق و معیارهای مشارکت تنظیم و در شبکه های مجازی (ایتا- روبیکا و...) قرار داده شد. سپس توضیح های لازم درباره مصاحبه ها به مشارکت کنندگانی داده شد که به شناسه شخصی محقق مراجعه کرده بودند و باتوجه به شرایط مدنظر آنها محل و زمان مصاحبه (مجازی) تعیین شد. مصاحبه ها به صورت زنده و آنلاین با دو نرم افزار اسکایپ و واتس آپ براساس انتخاب مشارکت کنندگان صورت گرفت. باتوجه به خاص بودن موضوع،

⁴ Fine



دردسترس نبودن آمار دقیق و بی تمایلی افراد به صحبت درباره مسائل خصوصی شان، نمونه مدنظر و جمع آوری داده ها، به شیوه گلوله برفی انجام شد. بدین صورت که مشارکت کنندگانی که با فراخوان مصاحبه شدند، در صورت تمایل، سایر افراد را معرفی می کردند. پایان نمونه گیری نیز با قاعده اشباع نظری صورت گرفت. براساس همین قاعده نمونه ها و تحلیل داده ها تا جایی ادامه پیدا کرد که مصاحبه با افراد جدید دربرگیرنده اطلاعات تازه ای نبود و تا حدودی تکراری بود. پس از اشباع برای اطمینان، مصاحبه تا دو نفر دیگر ادامه یافت. در نهایت، تعداد مشارکت کنندگان در پژوهش به ۱۲ نفر رسید و مصاحبه با هر فرد به طور میانگین، ۹۰ دقیقه طول کشید.

۳- بحث درباره یافته ها

تأثیر طلاق والدین بر عملکرد تحصیلی دانش آموزان

علل و عوامل متعددی باعث افت تحصیلی یا اتلاف در نظام آموزش و پرورش می گردد که می توان آنها را به ۳ دسته تقسیم کرد.

۱- علل مربوط به افت تحصیلی دانش آموز در مدرسه.

۲- علل مربوط به شرایط خانوادگی

۳- دلایل مربوط به عوامل اقتصادی (قمری و همکاران، ۱۳۸۹).

نظری (۱۳۹۴) در رابطه با عوامل و علل افت تحصیلی و چگونگی آن چنین می نویسد: «در بسیاری از موارد افت تحصیلی اعم از مردودی یا ترک تحصیل یا دیگر انواع آن موارد شرایط و عوامل خانوادگی کودکان و نوجوانان و جوانان است و هر چند که شرایط و عوامل خانوادگی موثر بر افت تحصیلی از دیگر عوامل اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جدا نیست اما چنین نیست که همیشه نامناسب بودن شرایط خانوادگی نتیجه شرایط نامناسب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بیرون از خانه باشد. فراهم بودن شرایط امنیت روانی و عاطفی به شدت می کاهند و در رابطه بسیار نزدیکی با مسایل و مشکلات آموزشی و پرورشی دانش آموزان و افت تحصیلی آنها دارد» (نظری، ۱۳۹۴).

تحقیقاتی که روانشناسان در این مورد در ایالت شلتندویک ملشتین آلمان غربی در زمینه عدم تمرکز فکری دانش آموزان کرده اند به این نتیجه رسیده اند که: در مورد ۴۰٪ در کودکان به عدم تمرکز فکریشان بر اثر ضایعات خانوادگی و تشنجات محیط خانواده بوده است. قسمتی از عدم تمرکز فکری کودکان هم امکان دارد با ناراحتی های محیط خانواده از قبیل طلاق و جدایی والدین، اشکالات مالی خانواده و بالاخره دعوا و نزاع با خواهر و برادرها ارتباط داشته باشد (شکریگی، ۱۳۸۵).

تأثیر طلاق در تحصیلات نیز به نظر تعداد قابل توجهی از دانش آموزان منفی بوده و این مسأله دو علت داشت بعضی از کودکان پس از تغییر ناگهانی وضع خانواده دیگر در مدرسه به خوبی سابق پیشرفت نداشته اند. نگران بودند، حواسشان پرت و تمرکز لازم را نداشتند، فکر می کردند که اگر ناراحتی فکری نداشتند امتحاناتشان را بهتر می گذراندند. بعضی از کودکان با اینکه گاهی حتی خودشان ترجیح می دادند به تحصیلاتشان ادامه دهند در اولین فرصت ممکن ترک تحصیل کرده اند تا بتوانند خرج خودشان را درآورند. به طور کلی مروری بر مطالعات انجام شده در زمینه انسجام یا عدم انسجام خانواده و تأثیر آن بر پیشرفت یا افت تحصیلی نشان می دهد که دانش آموزانی که دارای خانواده غیر منسجم هستند به نسبت دارای مشکلات زیاده تری بویژه در زمینه پیشرفت تحصیلی هستند اما بعضی از تحقیقات تفاوت های قبل توجهی از نظر پیشرفت تحصیلی بین دانش آموزان خانواده های منسجم و غیر منسجم نیافته اند. از طرف دیگر هیچکدام از تحقیقات اشاره به این ندارد که پیشرفت تحصیلی کودکان خانواده هایی غیر منسجم بهتر از کودکان خانواده های منسجم است (جلیلی راد و همکاران، ۱۳۹۳).

تأثیرات طلاق بر فرزندان در دوره های سنی مختلف

از عواملی که در درک و تحمل پدیده ی طلاق در کودکان تأثیر می گذارد می توان مسئله ی سن را نام برد. تحقیقات نشان داده است که کودکان خردسال به خاطر سرعت و تحول رشد در دوران طفولیت، در مقایسه با کودکان بزرگتر، از جدایی والدین خود رنج بیش تری خواهند برد.



تولد تا سه سالگی

از بدو تولد تا حدود یک سالگی مهم ترین عامل اثر گذار بر زندگی کودک، برقراری یا فقدان پیوند دلبستگی با مادر یا مراقبت کننده یا اولیه است. به گونه ای که اگر چنین پیوند نزدیکی بین مادر و کودک برقرار نگردد، این احتمال وجود دارد که کودک هرگز نتواند رابطه عاطفی مستحکمی مبتنی بر اعتماد به دیگران برقرار کند. در این سن کودکان در صورت جدایی از مراقبت کننده ی اصلی خود، از آن جا که نمی توانند درد و درماندگی خود را به زبان آورند، ممکن است آن را با واکنش های بدنی مانند گریه های طولانی مدت، اختلال خواب، یا امتناع از شیر خوردن نشان می دهند (بازرگان، ۱۳۹۶).

بچه های خردسال همیشه از وقوع طلاق رنج نمی برند. والدین بهتر است به گونه ای روی تربیت و چگونگی سرپرستی و نگرانی بچه ها به توافق برسند که بدون احساس تضاد بین والدین رشد کنند (مهدوی، ۱۳۸۵).

کودکان پیش دبستانی

کودکان ۳ تا ۵ ساله بیش تر اوقات می پندارند باعث طلاق والدین خود شده اند. به عنوان مثال ممکن است فکر کنند چنانچه در وقت معین، شام خود را صرف می کردند یا تکالیف روزانه خود را در موقع و درست انجام می دادند، پدر از خانه دور نمی شد. کودکان پیش دبستانی ممکن است ترس از این داشته باشند که تنها بمانند یا به طور کلی طرد شوند. آن ها ممکن است از خود رفتار بچه گانه نشان دهند، بهانه گیری کنند و قبول نکنند که همه چیز تغییر یافته یا ممکن است تنها مانده و یا افسرده یا عصبانی شوند. به طور کلی ممکن است به امنیت و به یک بزرگسال زیستن نیاز داشته باشند. ممکن است از خود رفتاری پر خاشگرانه و جسورانه نشان دهند (تفضلی، ۱۳۸۴).

کودکان دبستانی

کنار آمدن با طلاق والدین برای دانش آموزان ابتدایی سخت تر از بچه های نوجوان و مسن تر است. آن ها متوجه هستند که به دلیل طلاق والدین به درد سر افتاده اند اما قدرت کافی برای درک و کنترل این مسئله را ندارند. آن ها ممکن است فکر کنند از طرف والدین شان طرد یا رانده شده اند. کودکان این سن و سال امیدوارند والدین شان دوباره نزد آن ها برگردند. آن ها ممکن است از سردرد یا دل درد شکایت کنند (مهدوی، ۱۳۸۵).

در دوره ی دوم ابتدایی دوستان جایگاه خاصی نزد کودک دارند. یکی از مشکلات کودکانی که در مرحله ی پیش از بلوغ قرار داشته و والدین آن ها از هم جدا می شوند، به غیر از رنج جدایی یکی از والدین خود، احتمال از دست دادن دوستان صمیمی است. بنابراین باید تلاش کرد تا در صورت وقوع طلاق، کودکان حتی المقدور در همان مدرسه ی قبلی ادامه تحصیل دهند و از دوستان خود جدا نشوند. آثار جدایی اولیه در این سن ممکن است خود را به صورت میل به انزوا و کناره گیری اجتماعی و احساس درماندگی توأم با خشم، پر خاشگری، نزاع با همکلاسی ها یا خواهر و برادر، جر و بحث در مورد مقررات یا امتناع از انجام کار های خانه، نشان دهد. احساس عمیق فقدان، اندوه به خاطر نبودن آرامش در خانواده، ترس از متفاوت بودن با همکلاسی ها، احساس نا امنی، بی ثباتی، دلتنگی برای مادر بزرگ، پدربزرگ و سایر بستگان و نیاز مفرط به خشنود سازی والدی که از او دور شده از دیگر نیازهایی است که کودکان در این سنین تجربه می کنند. در این سن وارد کردن کودکان در کشمکش های بزرگسالان، هزینه ی عاطفی قابل توجهی برای آنان در بر دارد. کودک ممکن است در صورت درگیر شدن در دعواهای والدین، احساس گناه یا دلسوزی شدید برای والدی پیدا کند که قرار است دور از او زندگی کند. از این رو والدین باید توجه داشته باشند که هرگز فرزند خود را در جایگاه دشوار قضاوت قرار ندهند تا او مجبور نشود از میان والدین خود یکی را برگزیند (بازرگان، ۱۳۹۶).

پیامدهای طلاق بر عملکرد تحصیلی فرزندان

طلاق باعث می شود که کودک دچار حسرت روانی ناشی از عدم حضور والدین کنار خود شده و سریعاً دچار اضطراب شود در واقع کودک علاقه ی خود به یادگیری را از دست می دهد و موضوعات درسی وسیله ای می شوند تا او بتواند مسائل و مشکلات خود را به فراموشی بسپارد و دیگر به کسب جایزه و رتبه و رقابت فکر نکند و این امر راندمان فعالیت آموزشی و تربیتی او را پایین می آورد. او فقط برای این به مدرسه می آید



که بتواند خود را سرگرم کند و از ناراحتی خود کم کند. این کودکان حتی به لحاظ حسی - حرکتی دچار مشکل شده و دچار اختلال خوردن و خواب می شوند (منصوری و همکاران، ۱۳۹۴).

ابتلا به مشکلاتی مثل افسردگی، داشتن دغدغه های مختلف موجب می شود که دانش آموزان طلاق تمرکز کافی در کلاس درس را برای فهمیدن دروس و انجام خواسته های معلم نداشته باشند. هم چنین به دلیل مشکلات خانواده و نا آرامی های آن و گاهی اوقات انجام کار های خانه و مراقبت از خواهر و برادر کوچک تر ممکن است نتوانند تکالیف شان را به خوبی انجام دهند.

پیامد طلاق والدین بر ویژگی های شناختی فرزندان

رابطه ی خوب، محبت آمیز و صمیمی با فرزندان و تشویق کودکان باعث می شود که در بزرگسالی ضرایب هوش بالایی را به دست آورند. در حالی که فرزندان طلاق به دلیل عدم حضور هردو والد در کنار هم و نداشتن فضایی سرشار از صمیمیت، عموماً نواقص شناختی از خود نشان می دهند (منصوری و همکاران، ۱۳۹۴).

پیامدهای طلاق والدین بر وضعیت جسمانی فرزندان

برای کودکان طلاق فشار های زیادی ممکن است ایجاد شود. این فشار ها شامل اختلال در خواب و برنامه ی غذا خوردن می شود (درویزه، ۱۳۷۱).

کودکان چنین خانواده هایی ممکن است ممکن است به رفتار عقب نشینی روی بیاورند. کنترل ادرار و آداب دست شویی رفت خود را فراموش کنند و خود ارضایی و استمناء در آنان افزایش یابد (سیف، ۱۳۸۳).

به دلیل خشم و اضطرابی که ممکن است در این کودکان به وجود آید آن ها دچار سر درد و دل درد می شوند. هم چنین به دلیل اوضاع آشفته ی خانه، تنها بودن یک والد برای تامین مواد غذایی و تهیه غذا ممکن است برنامه ی غذایی آنان نسبت به قبل بدتر شود و به خوبی از نظر مواد مغذی تامین نشوند و در نتیجه از نظر بدنی ضعیف شوند.

چگونه می توان از تاثیرات منفی طلاق بر فرزندان کاست؟

با وجود این که طلاق می تواند تاثیرات منفی زیادی بر فرزندان داشته باشد اما گاهی اوقات تنها راه گریز والدین از مشکلات خانوادگی طلاق است. هر چند که بعضی تحقیقات از نتایج مثبت طلاق بر بعضی فرزندان خبر داده و آن هم زمانی است که فرزند مورد غفلت یا رفتار های آسیب زا و خطر آمیز یکی از والدین یا هر دوی آن ها قرار گیرد. طبیعی است در چنین شرایطی در صورتی که کودک از حمایت های اجتماعی لازم و امنیت برخوردار شود، رشد بهتری خواهد داشت. هم چنین همه ی آثار منفی که در تحقیقات به دست آمده توسط تمام فرزندان طلاق تجربه نخواهد شد و می توان از شدت آثار منفی از طریق تعلیم و تربیت درست، استفاده از برنامه های مداخله ای پیشگیرانه، ابراز عشق و محبت و توجه کافی و برقراری ارتباط سالم کاست. به طور کلی در همه ی سنین هنگام اعلام جدایی والدین به فرزندان نکات زیر باید مورد توجه قرار گیرد:

- لحظه ای مناسب انتخاب گردد و زمان کافی داده شود تا کودکان بتوانند واکنش نشان دهند، سوالاتی را که در ذهن دارند مطرح کنند و به پرسش های آنان با دقت پاسخ داده شود. فرزندان باید اولین کسانی باشند که از تغییراتی که قرار است در زندگی آن ها روی دهد مطلع گردند.
- به کودکان تفهیم شود که هیچ نقشی در جدایی والدین خود نداشته اند و والدین آن ها در هر زمانی آن ها را دوست خواهند داشت.
- بد گویی از همسر جدا شده و قربانی نشان دادن خود ممکن است کودک را به کناره گیری از والد دیگر و عدم اعتماد به او سوق دهد. کودکان قطعاً از این که مهم ترین حامی زندگی آنان کنار گذاشته شود، آسیب خواهند دید.
- کودکان در هر سنی لازم است فرصت هایی برای صرف وقت با هریک از اولیای خود و تماس های تلفنی مرتب، به منظور حفظ رابطه با والدی که دور از آن ها زندگی می کند، داشته باشند.
- در صورت ازدواج مجدد والدی که حضانت کودک را بر عهده دارد، لازم است کودک از صمیمیت و نزدیکی فیزیکی و عاطفی با هر یک از پدر و مادر خود، جدا از همسر جدیدش بهره مند گردد.



- رفتار های مودبانه با همسر سابق و عدم سرزنش وی به خاطر اوضاعی که پیش آمده و جلب مشارکت او در امور باعث آرامش فرزند و تطبیق او با شرایط جدید خواهد بود (بازرگان، ۱۳۹۶).
- خشم یک از مظاهر رفتاری است که کودکان طلاق به خصوص در سنین ابتدایی از خود نشان می دهند. آن ها گاهی از والدین خشمگین هستند و آن ها را شمات می کنند، گاهی قوانین خانه و یا وظیفه شان را زیر سوال می برند و گاهی هم به صورت فعال با بچه های دیگر به زد و خورد می پردازند. در این زمینه والدین باید ابتدا به بچه ها آگاهی دهند که خشم یکی از مظاهر طبیعی طلاق است. راه های سالم ابراز خشم مثل: در میان گذاشتن، ورزش و یا کار های هنری را به آن ها بیاموزند. معلمان کودک را از وضعیت طلاق مطلع سازند (امیری، ۱۳۸۶).
- باید دانست که زمان عاملی ضروری در احیای فرزندان و تطبیق آنان با شرایط جدید است. برخورد درست والدین با کودک و با همدیگر بعد از طلاق، مشورت با مشاورین و متخصص در این زمینه، صبر کافی و رفتار سنجیده و درست آنان می تواند از تأثیرات منفی طلاق بر فرزندان بکاهد و باعث شود به حیات طبیعی خود بازگردند.

۴- نتیجه گیری

یکی از عواملی مهمی که در افت تحصیلی دانش آموزان مطرح است خانواده می باشد. یکی از مهمترین موضوعات نظام آموزشی مساله عملکرد تحصیلی است، این پدیده به انضمام زیان های بسیار زیاد اقتصادی به علت تکرار پایه، آثار مخربی بر سلامت روحی و روانی دانش آموزان و نگرانی قابل توجهی برای خانواده ها به دنبال داشته است، پژوهش حاضر با هدف تعیین الزامات تحولی تعاملی منجر به عملکرد تحصیلی در بین فرزندان خانواده طلاق در دانش آموزان مقطع ابتدایی انجام گردیده است. نتایج بدست آمده از این پژوهش نشان می دهد که تعاملات خانوادگی بر عملکرد تحصیلی فرزندان تأثیرگذار است. همچنین مشخص گردید عوامل روانشناختی و تعاملات خانوادگی بیشترین نقش را در عملکرد تحصیلی دانش آموزان در خانواده های طلاق ایفا می کنند. عوامل فردی و تحصیلی نیز در رتبه های بعدی قرار دارند. همچنین در دانش آموزان در خانواده های عادی نیز، عوامل تحصیلی دارای بیشترین نقش در عملکرد تحصیلی دانش آموزان می باشد که عوامل روانشناختی، فردی و اجتماعی نیز در رتبه های بعدی قرار گرفته اند.

منابع

الف. منابع فارسی

- حاکمی، ن. (۱۳۹۴). بررسی رابطه طلاق عاطفی والدین با اختلال های رفتاری-هیجانی دختران ۷ تا ۱۲ سال دامغان، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد علوم تحقیقات شاهرود.
- دین دار، ا.؛ مهدوی، م.ص. و سیدمیرزایی، م. (۱۳۹۷). «بررسی رابطه بین مهارت های زندگی و طلاق عاطفی»، فصلنامه زن و جامع، ۴ (۳۶)، ۱۵۳-۱۷۶.
- صادقی، ف. (۱۳۹۵). طلاق عاطفی و فرزندان مطالعه به روش نظریه زمینه ای، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه الزهرا.
- مددی طائمه، ز.؛ آقاجانی، ط. و صلاحیان، ا. (۱۳۹۹). «مقایسه سلامت عمومی و اختلال خوردن در فرزندان دختر خانواده های طلاق رسمی، طلاق عاطفی و هم تایان عادی»، مدیریت ارتقای سلامت، ۹ (۲)، ۲۲-۳۰.
- آخوندی، نیلا، ۱۳۸۶، مطالعه ی وضعیت اعتیاد در فرزندان طلاق ارجاع داده شده به مرکز اصلاح و تربیت تهران (۱۳۷۹-۱۳۸۲)، پیک نور-علوم انسانی، دوره ۵، شماره ۱



ازبک پور، فاطمه، ۱۳۹۷، بررسی روان شناختی تبعات طلاق در زندگی زناشویی و رنج و عذاب برای فرزندان، نشریه ی مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، دوره چهارم، شماره ۱

اسلامی، مریم، حاج حسینی، منصوره، اژه ای، جوا، ۱۳۹۶، امید در نگرش دانش آموزان تک والد: فرزندان طلاق، فصل نامه ی علمی-پژوهشی اندیشه های نوین تربیتی، شماره ۵۰

امیری، نادر، ۱۳۸۶، طلاق و تاثیرات آن بر فرزندان، نشریه ی اصلاح و تربیت، شماره ۶۸، ص ۳۶

بازرگان، زهرا، ۱۳۹۶، حمایت از فرزندان طلاق در خانه و مدرسه، نشریه پیوند، شماره ۴۴۸ و ۴۴۹، ص ۱۶-۳۶

تفضلی، محمد رضا، ۱۳۸۴، آثار طلاق بر فرزندان، فصلنامه ی فقه و تاریخ تمدن، شماره ۳ و ۴، ص ۵۲

جلیلی راد، سید احمد، علی آبادی، زهره، ۱۳۹۳، طلاق و آسیب های آن بر کودکان، اولین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، ص ۲

حفیظی کاشانی، ابوالفضل، تیزدست، طاهر، ۱۳۹۳، مقایسه ی آسیب پذیری در برابر اعتیاد در فرزندان خانواده های طلاق، فرزندان خانواده های پر تعارض و عادی شهرستان ری، ششمین کنگره ی ملی آسیب شناسی خانواده

درویزه، زهرا، ۱۳۷۱، بررسی اثرات طلاق بر وضعیت جسمانی-عاطفی، خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی نوجوانان دختر دبیرستانی استان تهران، مجله علمی و پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، شماره ۱۰ و ۹، ص ۶۲

سلطانی، مهین، امیری، حسن، سلطانی، علی، ۱۳۹۴، تاثیر اعتیاد بر بزهکاری و طلاق فرزندان، دومین کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی، ص ۴

سیف، سو سن، ۱۳۸۳، بررسی مقایسه ای میزان پیامد های طلاق در زنان و مردان مطلقه ی آمریکایی، فصلنامه ی خانواده و پژوهش، شماره ۱، ص ۸۷

شاهسونند بغدادی، طویه، طاووسی جوونکی، سیما، ۱۳۹۴، مقایسه ی میزان عزت نفس و سلامت روان در فرزندان طلاق و بهنجار، کنفرانس بین المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی، ص ۲

شکر بیگی، عالییه، ۱۳۸۵، بررسی رابطه ی بین طلاق و بزهکاری فرزندان (۱۴ تا ۱۸ ساله شهر تهران)، فصلنامه تخصصی جامعه شناسی، شماره ۵، ص ۷۶

قربانی، افسانه، خانی، عاطفه، حسومی، ولی اله، ۱۳۹۸، نقش خانواده در سلامت روان فرزندان از دیدگاه قرآن و روای، نخستین همایش بین المللی تدبیر علوم مدیریتی، تربیتی، اجتماعی و روانشناسی در افق ایران ۱۴۰۴، ص ۱۱

قمری، محمد، فکور، احسان، ۱۳۸۹، مقایسه شیوه های مقابله با استرس و بهداشت روان و رابطه ی این متغیر ها در بین دانش آموزان طلاق و غیر طلاق، نشریه ی علوم رفتاری، دوره ۲، شماره ۴

منصوری، سعیده، کدخدا، دهخانی، فاطمه، کرچیان ظهوردی، اسما، سالاری، پروین، ۱۳۹۴، تاثیر طلاق والدین بر زندگی فرزندان شان، دومین کنفرانس بین المللی روانشناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، ص ۱۰ و ۹



مهدوی، رمضان، ۱۳۸۵، نشریه اصلاح و تربیت، شماره ۵۲، ص ۸۷

نظری، ساره، ۱۳۹۴، بررسی آثار و پیامدهای طلاق بر خانواده و جامعه، کنفرانس سالانه ی رویکرد های نوین پژوهشی در علوم انسانی، ص ۳

وحید دستجردی، مرضیه، ۱۳۸۹، نقش خانواده در سلامت جامعه، چاپ شده در مجله پیوند، شماره ۳۷۴، ص ۲۵.

ب. منابع لاتین

Barzoki, M. H., Tavakoll, M., & Burrage, H. (2015). Rational-emotional divorce in Iran, *Applied Research in Quality of Life*, 10 (1), 107-122.

Brauner-Otto, S. R., Axinn, W. G., & Ghimire, D. J. (2020). Parents' marital quality and children's transition to adulthood, *Demography*, 57 (1), 195-220.

Fine, M. A. (1997). Helping children cope with marital conflict: divorce and remarriage, In *Session: Psychotherapy in Practice: Psychotherapy in Practice*, 3 (1), 55-67.

Hashemi, L., & Hodayuni, H. (2017). Emotional divorce: child's well-being, *Journal of Divorce & Remarriage*, 58 (8), 631-644.

Jarwan, A. S., & Al-frehat, B. M. (2020). Emotional divorce and Its relationship with psychological hardiness, *International Journal of Education and Practice*, 8 (1), 72-85.